

عفو و عفو عمومی

عقاید علمای فرانسه و بلژیک

سلاح جامعه میباشد و علاوه تصویب شدن قانون تابع تعریفات و مقدماتی است و در موقعی که اخذ تصمیم فوری ضرورت پیدا مینماید تأخیر جریان در مجلس باطل موضوع سکنه وارد میکند بنابراین اقدام قوه مجریه برای عفو عمومی بصرفه و سلاح جامعه از دیگر میباشند.

قانون ایران هم مثل قوانین فرانسه و بلژیک و غیره عفو عمومی را از وظایف قوه مقننه شمرده و هرگاه موضوع از نقطه نظر حقوقی تدقیق شود در صحت این رویه تردیدی باقی نخواهد ماند زیرا: عفو عمومی در مورد خاصی لااقل يك ماده از قانون را نسخ می کند و هیچ قانون جز بوسیله قانون دیگر قابل نسخ و ابطال نیست. عفو عمومی از زمان خیلی قدیم معمول و در تمام کشورها مورد احتیاج واقع گردیده و از استدلالاتی که برای صحت قاعده آن نموده اند یکی این است: چون حق مجازات از نقطه نظر حفظ منافع عمومی برقرار شده پس اگر در مورد خاصی منافع عمومی بلا تعقیب و مسکوت ماندن عملی را که قانوناً جرم شناخته شده ایجاد نماید دیگر شایسته برای مجازات باقی نیست و مجازات بی سبب نیز لازم الابطال است.

آثار عفو عمومی

آثار جزائی - عفو عمومی هرگاه قبل از قطعی حکم مدخله کند جنبه عمومی جرم را از بین می برد و هرگاه پس از قطعییت وارد شود آثار حکم را محو می کند. تقاضای رسیدگی و مجا کمه حتی از طرف خود متهمین پذیرفته نیست اگر یکی از متهمین توقیف یا حبس بوده باشد باید فوراً آزاد شود جرم مورد عفو نمیتواند اساس تکرار واقع شود هرگاه متهم بعداً مرتکب جرم دیگری شود احکام تکرار جرم در حق او جاری نخواهد شد جزای نقدی و مخارج عدلیه که مورد حکم واقع شده قابل

گاهی منافع عمومی کشور و یا رعایت عدل و انصاف اقتضا دارد که از تعقیب جرم و یا از اجرای تمام یا قسمتی از مجازات صرف نظر شود و برای انجام این منظور با انتضای موقع ممکن است اصلاحات تعقیب جزائی منع و اگر تعقیب شروع شده باشد توقیف شود و در صورتیکه حکم مجازات صادر شده باشد محکومیت جزائی ابطال و یا باقی حکم محکومیت تمام یا قسمتی از مجازات بلا اجرا بماند که بعضی از اقدامات فوق در نتیجه عفو عمومی و یا در دیگر در اثر عفو که دو امر علیحدده و متغایر میباشند ممکن است عملی شود.

عفو عمومی

در صورتیکه جرم مورد عفو عمومی واقع شود وقوع آن گنم یکن فرض میشود آثار سابق و لاحق با تمام خطوط اولیه آن از بین میرود. ماده ۵۴ قانون مجازات عمومی میگوید: (جنحه و جنایات سیاسی و هم چنین جنحه و جنایات عادی که در انقائ انقلابات سیاسی واقع شود ممکن است مورد عفو عمومی گردد) و بدیهی است که جرمهای ناشی از افکار پست بمنظور جلب نفع شخصی مثل دزدی و خیانت در صورتیکه در انقائ انقلابات سیاسی واقع نشده باشد ممکن نیست مورد عفو عمومی گردد.

عفو عمومی از وظایف قوه مقننه می باشد یا قوه مجریه؟

بعضی معتقدند که دادن عفو عمومی از وظایف قوه مجریه می باشد و مداخله قوه مقننه باین موضوع غیر لازم و غالباً مضر هم میباشد زیرا: اکثر اوقات عفو عمومی وسیله ایست که برای استقرار صلح و آرامش اتخاذ میشود و چون محاجه و مباحثه علنی در جزئیات این موضوع باعث سوء استفاده اشخاص ماجراجو و مخالف

مطالبه نیست بقیده بعضی از مؤلفین هر گاه وجهی باین عنوان گرفته شده باشد باید رد شود .

همین مسئله تقریباً یکماه قبل در پارلمان بلژیک مطرح و مورد بحث قرار گرفت که خلاصه آن بقرار ذیل است .

اخیراً از طرف دولت بلژیک لایحه به پارلمان تقدیم و موضوع آن تقاضای تصویب قانون عفو عمومی برای رفع آثار محرومیت جمعی از مجرمین سیاسی از حقوق اجتماعی بوده دو پیشنهاد قانونی دیگر نیز راجع به همین موضوع از طرف حزب کاتولیک فلاماند و دیگری از طرف حزب ناسیونالیست فلاماند رسیده در پیشنهاد سوم ذکر شده و جوهری که از محکومین بعنوان خسارت ناشی از جرم یا مخارج عدلیه اخذ شده باید رد شود .

کمیسیون پارلمانی بشرح گزارش خود که عین همان گزارش در شماره مورخ ۱۶ ماه مه هزار و نهصد و سی و هفت روزنامه *Le soir* بروکسل (که بزرگترین جراید یومیه بلژیک می باشد) درج گردیده و بشرح ذیل که ذکر کرده اینقسمت از پیشنهاد وارد نموده است .

آثار حقوقی

جنبه حقوقی قضیه در این مورد تابع جنبه جزائی نیست و ابطال حکم محکومیت جزائی مستلزم بطلان دعاوی حقوقی نمی باشد و بنابراین اشخاص متضرر از جرم میتوانند بر علیه کسانی که مورد عفو واقع شده اند دعاوی حقوقی اقامه نمایند و اگر قبلاً حکمی بر له ایشان صادر شده باشد بقوت خود باقی است .

هر گاه در ضمن دعوی عمومی مدعی خصوصی نیز بوسیله عرض حال ضرر و زیان خود را در محکمه جزا مورد مطالبه قرار داده باشد و قبل از محاکمه دعوی عمومی بوسیله عفو عمومی از بین رفته باشد آیا محکمه صلاحیت رسیدگی بدعوی خصوصی را دارد ؟

بعضی از مؤلفین اینطور جواب داده اند :

هر گاه قبل از مداخله عفو عمومی حکم حضوری

نسبت بدعوی صادر شده باشد در اینصورت محکمه جزا میتواند پس از عفو عمومی نیز بر رسیدگی بدعوی خصوصی ادامه بدهد (مثلاً پس از صدور حکم بدوی حضوری قضیه در مرحله استینافی مطرح و در اثنای رسیدگی مجرم مورد عفو عمومی واقع شود) و در غیر اینصورت مدعی خصوصی مکلف است که دعوی خود را در محکمه حقوق تعقیب نماید .

عفو

هر گاه با فرض ثبوت جرم و بقای حکم محکومیت بامر پادشاه از اجرای تمام یا قسمتی از مجازات صرف نظر شود یا مجازات بمجازات خفیف تری تبدیل گردد در لسان اهل فن عمل عفو نامیده میشود .

مطابق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی در جرایم سیاسی پادشاه میتواند نظر به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء تمام یا قسمتی از مجازات اشخاصی را که بموجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شده اند عفو نماید و در جرایم غیر سیاسی نیز میتواند مجازات اشخاصی را که محکوم باعدام شده اند تبدیل باعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرایم را تا یک درجه تخفیف دهد و یا قسمتی از آن را تا ربع عفو کند .

اثر عفو برخلاف عفو عمومی نسبت به آتیه است در نفس جرم و همچنین در محکومیت ناشیه از آن هیچ تأثیری ندارد فقط از اجرای مجازات جلوگیری می نماید و علاوه مورد عفو شخص معینی است برخلاف عفو عمومی که ناظر به کیفیات خاصه جرم می باشد و وضعیت شخص مرتکب چندان منظور نظر نیست عفو از ضروریات یک جامعه می باشد و ممکن است (۱) از عواقب و نتایج احکامی که در اثر اشتباه حکام محاکم عدلیه صادر و قطعی گردیده جلوگیری نماید

(۲) در موقعی که جهات مختلفه حین صدور حکم

در دسترس محکمه نبوده و مجازات زیادی در حق متهم تعیین و حکم قطعی گردیده ممکن است مداخله نماید

(۳) امید عفو ممکن است برای مجرمین که در

حبس هستند وسیله اصلاح اخلاق گردد.

عفو قابل رد نیست و تقاضای اجرای مجازات نسبت به مجرمی که مورد عفو واقع گردیده از طرف خود او نیز پذیرفته نیست.

فرق اساسی بین عفو و عفو عمومی.

۱- عفو عمومی ماسی و مبطل آثار جرم و تهمت میباشد در صورتی که عفو موضوعاً مبنی بر رحمت و شفقت می باشد و در ماهیت جرم تأثیری ندارد.

۲- متهمین ممکن است بعفو عمومی نایل شوند اگرچه هنوز تعقیب جزائی شروع نشده باشد و نیز ممکن است که عفو عمومی حین محاکمه و پس از صدور حکم و قطعیت آن مداخله نماید ولی مجازاتی که هنوز حکم آن بدرجه قطعیت نرسیده مشمول قاعده عفو

نخواهد شد.

۳- در عفو عمومی وضعیت مرتکب جرم چندان مورد نظر نیست بلکه غالباً نوع جرم و کیفیات مخصوصه و زمان وقوع آن مطرح نظر می باشد غنسانچه دولت بلژیک در لایحه فوق الذکر خود نسبت به جرم هایی که تاریخ ارتکاب آن زیر ۳۰ دهامبر هزار و نهصد و نوزده بوده بدون اینکه شخص مرتکب تعیین شده باشد تقاضای عفو عمومی نموده است و بطوری که از گزارش مستفاد میشود منظور از عفو عمومی این نیست که کسی از حبس آزاد شود یا از حبس شدن کسی جلوگیری گردد بلکه بگانه مقصود اینست که آثار محرومیت از حقوق اجتماعی از محکومین سیاسی محو شود.

مهدی وحدت